Book Review Journal of Arabic Language and Literatuare, **The Iranian Council for Reviewing Books and Text on Human Sciences**
Biannual Journal, Vol. 1, No. 1, Spring and Summer 2020, 85-105

A Review of the Book
Abu al-Ala al-Maarri in the Critique of Comparative Literature

Ali Asghar Ravanshad*

Abstract

The book "Abu al-Ala al-Maarri in the Critique of comparative literature" is the work of Narjes Tawhidifar, a contemporary Iranian author. In this comparative work, the author examines the thought of Abu al-Ala Maari and its application to the thoughts of Epicurus, Schopenhauer, Nietzsche, Dante, and Sadegh Hedayat. The purpose of this paper, which is written in a descriptive-analytical method, is to critique the various aspects of the book's form and content. The results of the research indicate that the author has written her work in a smooth and fluent pen and using a scientific and logical language. She has provided valuable material to the audience and provided good and useful analysis. The expression of the similarities and differences between the ideas of the characters in the book has added to its position and importance, especially on the research aspect of the work and It, in turn, has adapted it to the needs of contemporary scientific and literary society. On the other hand, there are some writing, editing, and content failures in this book that can add value to their value and usefulness.

Keywords: Critical Analysis, Comparative Literature, Abu al-Ala al-Maarri, Narjes Tawhidifar.

* Assistant Professor of Arabic Language and Literature Yazd University, Yazd, Iran, ravanshada@yazd.ac.ir

Date received: 2020-04-15, Date of acceptance: 2020-08-28

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقدنامهٔ زبان و ادبیات عربی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
دوفصل‌نامهٔ علمی (مقالهٔ پژوهشی)، سال اول، شمارهٔ اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ۸۷ – ۱۰۵

نقد و بررسی کتاب *ابوالعلاء معری در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی*

علی‌اصغر روان‌شاد*

چکیده

کتاب *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی* اثر نرجس توحیدی‌فر، نویسندهٔ معاصر ایرانی، است. مؤلف در این اثر تطبیقی به بررسی اندیشهٔ ابوالعلاء معرّی و تطبیق آن با افکار اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت می‌پردازد. هدف این مقاله، که با روش توصیفی ـ تحلیلی نوشته شده، نقد و بررسی جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی این کتاب است. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که نویسنده اثر خود را با قلمی سلیس و روان و با بهره‌گیری از یک زبان علمی و منطقی به رشتهٔ تحریر درآورده است. وی مطالب باارزشی را در اختیار مخاطب قرار داده و به ارائهٔ تحلیل‌های خوب و سودمندی اقدام کرده است. بیان وجوه تشابه و تفاوت بین اندیشه‌های شخصیت‌های مطرح‌شده در کتاب بر جایگاه و اهمیت آن، به‌ویژه بر جنبهٔ پژوهشی اثر، افزوده و آن را به‌نوبهٔ‌خود متناسب با نیازهای جامعهٔ علمی و ادبی معاصر قرار داده است. ازسوی‌دیگر، برخی از نارسایی‌های نگارشی، ویرایشی، و محتوایی در این کتاب دیده می‌شود که رفع این موارد می‌تواند بر ارزش و سودمندی آن بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: تحلیل انتقادی، ادبیات تطبیقی، ابوالعلاء معرّی.

۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی دانشی جدید، جالب، و سودمند است که به بررسی روابط بین ادبیات ملت‌های مختلف می‌پردازد و تبادل اندیشه‌ها و جنبه‌های تأثیر و تأثر بین ادبیات آن ملت‌ها را موردتحلیل قرار می‌دهد. پژوهش‌گران این دانش را چنین تعریف کرده‌اند: ادبیات تطبیقی تاریخ روابط ادبی بین‌المللی است. محقق ادبیات تطبیقی مانند کسی است که در مرزهای

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، ravanshada@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

زبان ملی می‌ایستد تا از این طریق تمام روابط و دادوستدهای فکری و فرهنگی میان دو یا چند ملت را ثبت و بررسی کند (غویار ۱۹۵٦: ۵). برخی دیگر گفته‌اند: ادبیات تطبیقی یعنی بررسی ادبیات در آن سوی مرزهای یک کشور و بررسی رابطهٔ ادبیات با دیگر حوزه‌های دانش؛ ازجمله هنر، تاریخ، فلسفه، علوم اجتماعی، و ادیان (الخطیب ۱۹۹۹: ۵۰).

یکی از آثاری که دربارهٔ ادبیات تطبیقی به رشتهٔ تحریر درآمده کتاب *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی* تألیف نرجس توحیدی‌فر، نویسندهٔ معاصر ایرانی، است که به‌نوبهٔ‌خود اثری باارزش و سودمند در این زمینه به‌شمار می‌آید. کتاب حاضر به تطبیق اندیشه‌های معرّی[۱] با افکار اپیکور[۲]، شوپنهاور[۳]، نیچه[٤]، دانته[۵]، و صادق هدایت[٦] اقدام کرده است. نگارندهٔ این مقاله قصد دارد به نقد و بررسی جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی این کتاب بپردازد تا بتواند با هم‌فکری و تبادل اندیشه با نویسندهٔ اثر در زمینهٔ ادبیات تطبیقی به‌صورت عام و دربارهٔ افکار معرّی به‌صورت خاص گام بردارد؛ زیرا «یکی از مهم‌ترین اهداف نقد تبادل اندیشه و نیز کمک به نویسنده برای تصحیح خطاهایش است» (سلطانی ۱۳۸۸: ٤). بر این اساس، پژوهش حاضر، درکنار نقد و بررسی ویژگی‌های گوناگون شکلی و محتوایی این کتاب، پیش‌نهادها و راه‌کارهایی نیز برای تقویت آن ارائه می‌دهد.

۱.۱ ضرورت، اهمیت، و هدف پژوهش

نظر به اهمیت، ارزش، و فواید بسیار ادبیات تطبیقی و باتوجه‌به جایگاه برجستهٔ ابوالعلاء معرّی در ادبیات عربی و اهمیت شناخت اندیشهٔ وی ضرورت دارد کتاب *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی*، تألیف نرجس توحیدی‌فر، که اثری سودمند در زمینهٔ ادبیات تطبیقی به‌ویژه بررسی اندیشهٔ معرّی و تطبیق آن با اندیشه‌های متفکران بزرگ جهان است، نقد و بررسی شود. بنابراین، باتوجه‌به این امر که «نقد شایسته و منصفانه آن است که درکنار نواقص و ناروایی‌ها نقاط قوت اثر نیز بررسی شود» (سیاوشی ۱۳۹۱: ۵۸)، هدف از انجام این پژوهش نقد و بررسی جنبه‌های گوناگون شکلی و محتوایی این کتاب و بیان ویژگی‌های مثبت و کاستی‌های اثر و ارائهٔ پیش‌نهادهایی برای تقویت آن است.

۲.۱ پیشینهٔ پژوهش

تاجایی‌که نویسندهٔ این سطور اطلاع دارد تاکنون پژوهشی که به نقد و بررسی کتاب *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی* بپردازد انجام نشده و این تحقیق به‌نوبهٔ‌خود اولین پژوهش در این زمینه است.

۳.۱ پرسش‌های پژوهش

۱. مزیت‌ها و اشکالات شکلی و محتوایی کتاب *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی* چیست؟

۳. این اثر تا چه‌میزان با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم مطابقت دارد؟

۴.۱ روش پژوهش

در این پژوهش، کتاب *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی* با روش توصیفی ــ تحلیلی و با رویکرد تحلیل انتقادی ارزیابی و نقد شده است. نقد و بررسی این اثر به‌درخواست شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری و چهارچوب نقدی موردنظر آن شورا صورت گرفته است.

۲. بحث

۱.۲ معرفی مؤلف

آن‌چه در نقد اثر مفید و مرسوم است آوردن پیشینهٔ علمی و ادبی نویسندهٔ آن است. این پیشینه باید به‌صورت اجمالی و بدون حب‌وبغض آورده شود (*کتاب نقد و نقد کتاب* ۱۳۸٦: ۲۰). بر این اساس، در پژوهش حاضر نویسندهٔ کتاب *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی* معرفی می‌شود. این اثر را نرجس توحیدی‌فر، نویسندهٔ معاصر، تألیف کرده است. وی مدیر داخلی برخی از مجلات علمی ازجمله *فصل‌نامهٔ ادبیات تطبیقی*، *فصل‌نامهٔ دراسات الأدب المعاصر*، و *فصل‌نامهٔ مطالعات قرآنی* است. این مؤلف کتاب‌های دیگری نیز تألیف یا ترجمه کرده است، ازجمله *خوانشی نو از تمهیدات عین القضات همدانی* (۱۳۹٤)، *خوانشی نو از مناقب العارفین* (۱۳۹٦)، *خوانشی نو از عبهر العاشقین روزبهان بقلی شیرازی* (۱۳۹۷)، و *با ابوالعلاء در زندانش* (۱۳۹۷). علاوه‌براین، مقالات علمی متعددی از این نویسنده در دست‌رس است.

۲.۲ معرفی اثر

کتاب *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی* تألیف نرجس توحیدی‌فر است. انتشارات شفیعی تهران چاپ دوم آن را، که نسخهٔ موردنظر در این مقاله است، در سال ۱۳۹٦ منتشر کرد. نویسنده در این کتاب به بررسی اندیشهٔ ابوالعلاء معرّی و تطبیق آن با افکار اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت اقدام کرده است.

این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است. فصل اول بدون عنوان آمده و شامل دو بخش است. بخش اول دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی عصر معرّی و بخش دوم دربارهٔ ولادت، بیماری و نابینایی، سفرهای معرّی، وفات، و تألیفات وی است.

فصل دوم با عنوان «فلسفهٔ علائی؛ از کجا و به‌سوی کجا؟» شامل چهار بخش است. در بخش اول، فلسفه و رابطهٔ آن با ادبیات بررسی شده است. بخش دوم به‌صورت یک سؤال مطرح شده که آیا ابوالعلاء معرّی فیلسوف است؟ بخش سوم آبشخورهای فلسفهٔ ابوالعلاء را بررسی می‌کند. بخش چهارم نیز، مانند بخش دوم، عنوانی به‌صورت یک سؤال دارد که آیا ابوالعلاء بدبین است؟

فصل سوم با عنوان «تحلیل و بررسی دیوان 'لزوم ما لا یلزم'» در شش بخش آمده است. بخش اول تحلیل و بررسی دیوان «لزوم ما لا یلزم»؛ بخش دوم، ابوالعلاء و اعتقادات دینی او در دیوان لزومیات؛ بخش سوم، دیدگاه ابوالعلاء دربارهٔ ایمان به خدا؛ بخش چهارم دیدگاه او دربارهٔ معاد؛ بخش پنجم، دیدگاه معرّی دربارهٔ مذهب فاطمی؛ و بخش ششم، دیدگاه معرّی دربارهٔ سایر مذاهب (اسلامی و غیراسلامی) است.

فصل چهارم با عنوان «فلسفهٔ عملی زندگی ابوالعلاء معرّی» در چهار بخش تنظیم شده است. بخش اول، زهد ابوالعلاء؛ بخش دوم، زن در زندگی ابوالعلاء؛ بخش سوم، بقای نسل؛ و بخش چهارم، هم‌عصران ابوالعلاء درباره‌اش چه می‌گویند؟

فصل پنجم با عنوان «تطبیق اندیشهٔ ابوالعلا و اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت» شامل چهار بخش می‌شود؛ بخش اول، زهد علائی و زهد اپیکوری؛ بخش دوم، عشق به نیستی (سنجش آرای معرّی و شوپنهاور، فیلسوف اگزیستانسیالیست)؛ بخش سوم، عقل، ارادهٔ قدرت و خلق ابرانسان؛ و بخش چهارم، سفر به عالم ارواح.

۳.۲ تحلیل و ارزیابی شکلی اثر

۱.۳.۲ طرح جلد

طرح جلد کتاب، به‌عنوان معرف اولیهٔ محتوای آن، از اهمیت زیادی برخوردار است. «عنوان و طرح جلد کتاب ازجملهٔ اولین و مهم‌ترین عوامل در تأثیرگذاری اولیه و جذب مخاطب برای خواندن کتاب هستند که می‌توانند شوق لازم جهت توجه به یک کتاب خاص یا دافعه جهت عدم توجه به یک کتاب را در بر داشته باشند» (اکبری‌تبار ۱۳۹۱: ۱۲۹). با

نگاه اولیه درمی‌یابیم که طرح جلد کتاب حاضر خوب و چشم‌نواز است. برای نوشته‌های روی جلد از رنگ‌های سیاه، سفید، قرمز، و سبز در یک زمینهٔ روشن استفاده شده است. نگارش «ابوالعلاء معرّی» به‌صورت برجسته و بزرگ و «در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی» با اندازهٔ کوچک و «تطبیق اندیشهٔ ابوالعلاء، اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت» به‌صورت کوچک‌تر انجام گرفته است. تنوع رنگ‌ها و تعدد و اندازهٔ خطوط به‌کارگرفته شده برای مشخصات روی جلد اثر می‌تواند بیان‌گر تنوع و تعدد فصل‌ها و محتوای کتاب باشد. این تنوع با موضوع اصلی کتاب، که ادبیات تطبیقی و روابط بین‌المللی ادبیات است، تناسب دارد. علاوه‌براین، اندازهٔ خطوط روی جلد می‌تواند با اندازه و حجم فصل‌های کتاب و محتوای آن متناسب باشد؛ زیرا بیش‌تر فصل‌ها و مطالب اثر دربارهٔ عصر، زندگی، فلسفه، اعتقادات، و بیان دیدگاه‌های ابوالعلاء معرّی و قسمت کم‌تری از آن به تطبیق اندیشهٔ وی با اندیشه‌های سایر متفکران اختصاص دارد. پشت جلد کتاب نیز بخش‌های کوتاهی از تقریض‌های سه نفر از استادان آمده که دربارهٔ محتوای کتاب و ارزش کار مؤلف است.

۲.۳.۲ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و صحافی

حروف‌نگاری کتاب واضح و خواناست. در سرصفحه‌های سمت راست، عنوان کتاب و در سرصفحه‌های سمت چپ، در بخش تقریض‌ها، کلمهٔ تقریض آمده است و غیر از فصل اول، که بالای آن فقط «فصل اول» نوشته شده است، سایر فصل‌ها، پس از شمارهٔ فصل، عنوان فصل نیز دارند. عناوین اصلی و فرعی در مقایسه با متن اصلی کتاب دارای حروف ضخیم‌تری است. در این اثر، فرورفتگی سر پاراگراف‌ها، برجسته‌کردن عناوین درون‌متنی، و فاصلهٔ مناسب بین سطرهای مختلف کتاب رعایت شده است و هر عنوان نیز با سطر قبل از خود فاصلهٔ مناسب دارد. سرانجام این‌که کتاب موردبحث کاغذ باکیفیتی دارد و از صحافی خوب و قابل‌قبولی بهره می‌برد.

۳.۳.۲ میزان رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی

ضرورت دارد نویسندگان در آثار خود، به‌ویژه در متون علمی و ادبی، به رعایت علائم نگارشی پای‌بند باشند؛ زیرا مطالب این متون «به ابزار محکم‌تر، روشن‌تر، و کامل‌تری نیاز دارد و به‌علت تفاوت با زبان عامیانه و زبان اداری و روزنامه‌ای به دقت بیش‌تری نیازمند است» (غلامحسین‌زاده ۱۳۹۰: ۱). نویسندهٔ این اثر در استفادهٔ درست از علائم نگارشی

تلاش کرده است، ولی در بعضی از مواقع شاهد ایراداتی اندک در این زمینه هستیم، برای نمونه در دو صفحهٔ ١٦٨ و ۲۳۱ گیومه باز شده است، ولی پایان آن مشخص نیست و صفحهٔ ۱۹۱ سطر سوم و بیست‌ویکم به ویرگول نیاز دارد.

از نظر حرکت‌گذاری اشعار نیز باید گفته شود که درکل این مهم رعایت شده است، اما در بعضی از موارد شاهد عدم حرکت‌گذاری بسیاری از کلمات ابیات شعری هستیم؛ ازجمله ابیات صفحهٔ ١٦٨.

علاوه‌براین، در فهرست اعلام، صفحات نوشته‌شده برای برخی از اعلام به بازبینی نیاز دارد؛ ازجمله صفحات مربوط به اپیکور که باید علاوه‌بر صفحات قبلی صفحات ۱۷۲، ١٧٤، ۱۷۵، و ١٧٦ نیز اضافه شود. یا این‌که برخی از اعلام در متن کتاب و در فهرست اعلام به یک صورت نیامده که لازم است به‌صورت صحیح و یک‌دست بیاید؛ ازجمله «بئاتریس پورتیناری» که در صفحهٔ ۲۱۷ به‌صورت «بئاتریس پور تیاری» و در صفحهٔ ۲۲۸ بخش اول آن «بئاتریس» و در فهرست اعلام صفحهٔ ٢٣٤ بخش اول آن به‌صورت «بناتریس» آمده است و «دیونیزوس» که در پاراگراف دوم صفحهٔ ۱۹۹ به‌صورت «دیونیزوس» و «دیو نیروس» و در فهرست اعلام صفحهٔ ۲۳۵ به‌صورت «دیونیزوس» آمده است.

برخی دیگر از ایرادات در این زمینه عبارت است از این‌که در سطر دهم از صفحهٔ ۳۰ کلمهٔ «نفوذ» به‌صورت «تفوذ» آمده و در بیت دوم از صفحهٔ ۱۱۲ «الحوض الرّوی»، به‌جای منصوب، به‌صورت مرفوع ذکر شده است.

۴.۳.۲ رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی

با بررسی کتاب موردبحث می‌بینیم که نویسنده برای بررسی یک موضوع از دو شیوهٔ نقل مستقیم و نقل غیرمستقیم بهره برده است. وی ارجاعات داخلی اثر را در پانوشت آورده است، اما خیلی کم شاهد ارجاعات درون‌متنی نیز هستیم؛ مانند صفحهٔ ١٦٧ که ضرورت دارد همهٔ ارجاعات به‌صورت یک‌دست بیاید.

ازسوی‌دیگر، پیش‌نهاد می‌شود که (درصورت نیاز) برای توضیحات ذکرشده در پانوشت منبع آن نیز ذکر شود؛ زیرا براساس گفتهٔ صاحب‌نظران، درصورتی‌که توضیحات پانوشت نقل‌قول مستقیم یا نقل‌قول آزاد یا خلاصه‌برداری از نوشته‌های دیگران است یا توضیحات یادشده بیان اندیشه‌ها یا اطلاعات یا داده‌های علمی اشخاص دیگری است ارجاع به منبع علمی ضروری است (ملک‌ثابت ۱۳۹۰: ۲۱۱–۲۱۲).

علاوه‌براین، برای بعضی از منابع ذکرشده در پانوشت به‌جای آوردن کلمهٔ «همان» اسم منبع مورداستفاده برای دفعات بعد نیز ذکر شده است؛ مانند صفحات ۱۰۲، ۱۱۲، و ۱۰۷ که پیش‌نهاد می‌شود در چاپ‌های بعدی اثر اصلاح شود.

۴.۲ تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

۱.۴.۲ میزان مطابقت اثر با سرفصل‌های مصوب

باتوجه‌به این‌که رشتهٔ زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری تخصصی دارد و نیز نظر به این‌که اثر حاضر از این ظرفیت برخوردار است که با سرفصل‌های این سه مقطع تطبیق داده شود، بنابراین، مطالب عنوان بالا در سه بخش زیر بررسی می‌شود.

۱.۱.۴.۲ مقطع کارشناسی

۱. ادبیات تطبیقی: بخشی زیادی از اهداف این درس بررسی روابط میان ادبیات عربی و ادبیات سایر ملل و تبیین ارتباط میان ادبیات عربی و ادبیات فارسی است. در سرفصل آن نیز، پیوندهای ادبی، مقایسهٔ میان ادبیات فارسی و ادبیات عربی و تأثیر هرکدام بر دیگری، مقایسهٔ میان ادبیات عربی و ادبیات غرب و تأثیر هرکدام بر دیگری، و تأثیر نظرات ادیبان مسلمان بر ادبیات غرب آمده است؛ بنابراین، کتاب موردبحث با بخشی از سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی استفاده شود (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری ۱۳۸۹: ۵۷).

۲. تاریخ ادبیات عباسی (۲) و اندلس: نیمی از هدف این درس آشنایی با عصر عباسی دوم است. در بخشی از سرفصل آن نیز گفته شده است که شاعران بزرگ این دوره موردتحلیل قرار گیرند. پس، اثر حاضر با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی درمورد زندگی و شعر معری استفاده شود (همان: ٤٦).

۳. متون نظم دورهٔ عباسی (۲): هدف این درس شناخت متون نظم این دوره و توانایی در فهم، تحلیل، و ترجمهٔ آن است. در سرفصل آن نیز فهم، تحلیل، و بررسی گزیده‌ای از اشعار شاعران این دوره ازجمله ابوالعلاء معری آمده است. پس، کتاب موردبحث با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی درمورد اشعار معری استفاده شود (همان: ٤٥).

۲.۱.۴.۲ مقطع کارشناسی ارشد

۱. ادبیات تطبیقی: بخشی از اهداف این درس کسب مهارت در انجام پژوهش‌های تطبیقی است. در سرفصل آن نیز، نقش و جایگاه ادبیات عربی، میزان تبادل ادبی آن با ادبیات ملل دیگر، و ارائهٔ پژوهش‌های تطبیقی با تکیه بر زبان و ادبیات عربی آمده است؛ بنابراین، اثر کنونی با بخشی از سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی استفاده شود (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری ۱۳۹٦: ۳۲).

۲. تحلیل و نقد شعر دورهٔ عباسی: هدف این درس آشنایی با رویکردها و جریان‌های مهم فکری ـ ادبی شعر در عصر عباسی و کسب مهارت در فهم و تحلیل انواع متون شعری این دوره است. در سرفصل آن نیز معرفی شاعران جریان‌ساز این دوره ازجمله ابوالعلاء معری، ارائهٔ نمونه‌هایی از شعر عباسی همراه با تحلیل و نقد آن، و بررسی انواع شعر این دوره از قبیل شعر فلسفی و حکمی آمده است. پس، این کتاب با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی درمورد اشعار معری مورداستفاده واقع شود (همان: ۲۳).

۳. شاه‌کارهای ادبی جهان: بخش عمده‌ای از اهداف این درس آشنایی با ادبیات و تاریخ ادبیات ملل مختلف جهان ازجمله اروپا و آشنایی با مشاهیر ادبی جهان است. در سرفصل آن نیز آشنایی با ادبیات و تاریخ ادبیات اروپا و آشنایی با مشاهیر ادبی جهان آمده است؛ بنابراین، اثر موردبحث با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی برای آشنایی با افکار ادیبان و اندیشمندان جهان مورداستفاده واقع شود (همان: ٤٤).

۳.۱.۴.۲ مقطع دکتری

۱. شعر عربی از آغاز تا دورهٔ معاصر: نیمی از اهداف این درس بررسی و نقد اشعار شعرای مشهور این دوره‌ها، ازجمله دورهٔ عباسی، است. در سرفصل آن نیز نقد و بررسی نمونه‌هایی از اشعار شعرای معروف این دوره‌ها ازجمله ابوالعلاء معرّی آمده است. پس، کتاب حاضر با بخشی از هدف و سرفصل این درس مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی درمورد اشعار معری استفاده شود (وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری ۱۳۹٤: ۱۹).

۲. ادبیات تطبیقی: کتاب موردبحث با بخشی از سرفصل این درس که نقد تطبیقی نمونه‌های ادبی است مطابقت دارد و می‌تواند به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی در این زمینه استفاده شود (همان: ۳۳).

۲.۴.۲ میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست

دربارهٔ انطباق محتوای کتاب موردبحث با عنوان و فهرست آن باید گفته شود که این انطباق رعایت شده است. در عنوان روی جلد کتاب، نگارش «ابوالعلاء معرّی» به‌صورت بزرگ و برجسته و «در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی» با اندازهٔ کوچک، بیانگر میزان پرداختن نویسنده به این دو بخش از مطالب کتاب است؛ بدین صورت که وی بخش بیش‌تری از مطالب کتاب (چهار فصل در ١٤٤ صفحه) را به ابوالعلاء معرّی اختصاص داده است و در آن از زمانه، زندگی، فلسفهٔ علائی، فلسفهٔ عملی زندگی معرّی، دیوان لزوم ما لایلزم، اعتقادات دینی، و نیز دیدگاه‌های وی دربارهٔ ایمان به خدا، معاد، ادیان، و مذاهب سخن به‌میان آورده است و در بخش کم‌تری (یک فصل در ٦٣ صفحه)، به تطبیق اندیشهٔ معرّی با افکار سایر اندیشمندان جهان ازجمله اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت پرداخته است.

۳.۴.۲ میزان استفاده از ابزارهای علمی

باتوجه‌به این‌که اثر حاضر در اصل با هدف آموزشی تألیف نشده است دارای ابزارهایی ازجمله تمرین، نمودار، جدول، و تصویر نیست، ولی دارای برخی دیگر از ابزارهای علمی ازجمله فهرست، مقدمه، تقریض، پیش‌گفتار، خاتمه، و پانوشت است که این موارد در زیر بررسی می‌شود.

۱.۳.۴.۲ فهرست

کتاب حاضر دارای چهار فهرست است که درادامه این ابزار علمی بررسی می‌شود. اولین فهرست، بنا به اقتضای پژوهش، به مطالب کتاب اختصاص دارد که فهرستی خوب و قابل‌قبول است. درواقع، این فهرست شش‌صفحه‌ای عناوین اصلی و فرعی مطالب اثر را در خود جای داده است و از این نظر فهرست کتاب دارای تفصیل است و ابهام ندارد. همهٔ فصل‌های اثر به‌جز فصل اول عنوان دارد. سزاوار است نویسندهٔ محترم برای این فصل، هم در فهرست مطالب و هم در متن کتاب، یک عنوان مناسب انتخاب کند که دو بخش زیرمجموعهٔ خود را تحت پوشش قرار دهد؛ مثلاً «زمانه و زندگی معرّی». علاوه‌براین، لازم است برای فصل دوم و بخش دوم و بخش چهارم همین فصل و نیز بخش چهارم از فصل چهارم عنوان‌هایی غیرسؤالی هم در فهرست مطالب و هم در متن کتاب بیاید تا با سایر عنوان‌ها هماهنگ شود.

ازسوی‌دیگر، در فهرست کتاب، هم از حروف و هم از اعداد استفاده شده است. عناوین فصل‌ها نیز در مقایسه با عناوین بخش‌ها بزرگ‌تر و به‌صورت برجسته‌تر آمده است. استفاده از حروف و اعداد و تیره‌کردن عناوین اصلی به وضوح فهرست کمک کرده است.

این کتاب، علاوه‌بر فهرست مطالب، سه فهرست دیگر دارد. یک فهرست برای منابع استفاده‌شده در اثر، یک فهرست برای اعلام کتاب، و فهرست آخر برای ابیات موجود در اثر که این فهرست‌ها استفاده از کتاب و خواندن و فهم آن را آسان می‌کند. البته، دربارهٔ فهرست اعلام باید گفته شود که بعضی از اعلام موجود در متن کتاب در فهرست اعلام نیامده است؛ ازجمله «یاقوت حموی» در صفحهٔ ۱۹۳. بنابراین، این فهرست به بازبینی نیاز دارد. سرانجام باید گفته شود که اثر حاضر از فهرست آیات قرآنی نیز خالی است.

۲.۳.۴.۲ مقدمه

در ابتدای کتاب، مقدمهٔ آن در دو صفحه آمده است که صفحهٔ اول سؤالات و توضیحاتی ازسوی نویسنده است. در صفحهٔ دوم نیز تشکر و قدردانی از استادانی است که تقریض‌هایی بر این کتاب نوشته‌اند. علاوه‌براین، در این صفحه، معرفی کوتاهی دربارهٔ این استادان آمده است. در پایان مقدمه نیز نویسنده از خانوادهٔ خود تشکر و قدردانی کرده است. محققان در تعریف مقدمه چنین گفته‌اند: «مقدمه شامل شرحی اجمالی دربارهٔ مسئلهٔ بررسی‌شده، حدود، ارزش، و کاستی‌های پژوهش‌هایی که پیش‌تر در این زمینه صورت گرفته و نیز روش‌ها، ملاک‌ها، و مفهوم‌های تازه‌ای است که در پژوهش به‌کار رفته است (حیدری ۱۳۸۰: ۸۰). بر این اساس، پیش‌نهاد می‌شود نویسندهٔ کتاب در مقدمهٔ آن به توضیح دربارهٔ کتاب، محتوا و فصل‌های آن، هدف از نگارش اثر، سؤالات یا فرضیه‌ها، حدود و چهارچوب پژوهش، روش پژوهش، مکتب ادبیات تطبیقی مورداستفاده در پژوهش، اشاره به مهم‌ترین منابع، و اشاره به مشکلات پیش‌روی پژوهش داشته باشد. این موارد می‌تواند بر غنای مقدمه بیفزاید.

۳.۳.۴.۲ تقریض

پس از مقدمهٔ نویسنده، سه تقریض در دوازده صفحه ازسوی سه استاد صاحب‌نظر نوشته شده است که دربارهٔ مطالب و محتوای کتاب ازجمله ادبیات تطبیقی، ارتباط بین شعرای ایرانی و عرب، اندیشه‌های ابوالعلاء معرّی، و اهمیت کار نویسندهٔ کتاب است.

این تقریض‌ها به‌نوعی کوتاهی مقدمهٔ کتاب را جبران کرده‌اند و شاید به‌دلیل وجود همین تقریض‌ها بوده که نویسنده مقدمهٔ اثر را به‌صورت کوتاه و مختصر آورده است.

۴.۳.۴.۲ پیش‌گفتار

نویسندهٔ کتاب با شروع هر فصل از فصل‌های کتاب بخش کوتاهی را با عنوان پیش‌گفتار می‌آورد که در آنْ ذهن مخاطب را با مطالب آن فصل آشنا می‌کند. پس‌ازآن، به ارائهٔ مطالب فصل موردنظر می‌پردازد. آوردن پیش‌گفتار برای همهٔ فصل‌ها به‌جز فصل اول رعایت شده است. در فهرست مطالب و در متن کتاب، پیش‌گفتار فصل سوم دارای عنوان است، ولی سایر پیش‌گفتارها بدون عنوان آمده است. این عنوان در فهرست مطالب پس از ذکر کلمهٔ پیش‌گفتار دربین پرانتز قرار گرفته ولی در متن کتاب بدون پرانتز آمده است. بر این اساس، ضرورت دارد برای فصل اول نیز مانند سایر فصل‌ها پیش‌گفتار بیاید و همهٔ پیش‌گفتارها بیرون از پرانتز و بدون عنوان خاصی باشد و به کلمهٔ پیش‌گفتار اکتفا شود.

علاوه‌بر فصل‌ها، بعضی از بخش‌های کتاب نیز عنوان پیش‌گفتار دارد که مطالبی در زیر آن آمده است؛ ازجمله بخش سوم و چهارم از فصل پنجم. اما برای بخش اول از فصل اول بدون عنوان پیش‌گفتار مطالبی آورده شده است. آوردن چنین مطالبی قبل از شروع هر بخش و آماده‌کردن ذهن مخاطب با محتوای بخش مفید است. بنابراین، ضرورت دارد که در آوردن چنین عنوانی و مطالب آن به‌صورت هماهنگ عمل شود.

۵.۳.۴.۲ خاتمه

نویسندهٔ کتاب در پایان بعضی از فصل‌ها یک جمع‌بندی با عنوان «ارزیابی» یا «خاتمه» به این صورت می‌آورد: فصل اول با عنوان «ارزیابی»، فصل دوم با عنوان «خاتمهٔ فصل با گفتاری دربارهٔ عقل»، و فصل سوم با عنوان «خاتمه». اما دو فصل چهارم و پنجم چنین عنوان‌هایی ندارند. در پایان کتاب نیز یک جمع‌بندی نهایی با عنوان «سخن آخر در پایان کتاب» آورده شده است. آوردن یک یا چند صفحه با یکی از عنوان‌های «جمع‌بندی نهایی»، «خاتمه»، «ارزیابی»، و «نتیجه» در پایان هر فصل از کتاب یا در پایان کتاب ارزش‌مند است؛ بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود که برای همهٔ فصل‌های کتاب مطالبی با یکی از عنوان‌های بالا آورده شود (به‌صورت هماهنگ) و در آخر کتاب نیز چنین عنوان و مطالبی به‌صورت مفصل‌تر بیاید یا این‌که برای جلوگیری از تکرار به آوردن یکی از این عناوین ذکرشده و مطالب آن فقط در پایان کتاب بسنده شود.

علاوه‌براین، در پایان بخش اول از فصل اول، مطالب کوتاهی با عنوان «نتیجه» آورده شده است. از میان بخش‌های مختلف کتاب، فقط همین بخش است که چنین عنوانی دارد که بهتر است این عنوان و مطالبش نیز حذف شود تا با سایر بخش‌ها هماهنگ شود.

۶.۳.۴.۲ پانوشت

یکی دیگر از ابزارهای لازم در این کتاب استفاده از پانوشت است که در آن به شرح برخی از واژه‌های دشوار متن اقدام می‌شود؛ مانند پانوشت صفحهٔ ۵۲. معرفی منابع یکی دیگر از کاربردهای رایج پانوشت در این اثر است؛ مانند پانوشت‌های صفحات ۲۷، ۷۷، و ۲۱۹. علاوه‌براین، در پانوشت، برخی از نکات توضیحی و تکمیلی آورده می‌شود که ذکر این نکات به فهم مطالب متن کمک می‌کند؛ مانند پانوشت صفحهٔ ٦۳.

هم‌چنین در متن کتاب، بعضی از توضیحات مفید دربین پرانتز می‌آید؛ ازجمله سال تولد و وفات بعضی از شخصیت‌ها؛ مانند صفحهٔ ۱۹۳ و توضیح دربارهٔ «آپولون» و «دیونیزوس» در صفحهٔ ۲۰٦ که پیش‌نهاد می‌شود غیر از توضیحات کوتاهی که یک یا دو کلمه است سایر توضیحات در پانوشت بیاید و درصورتی‌که توضیحات یادشده درحکم دانش عمومی نیست و به ذکر منبع نیاز دارد منبع آن نیز ذکر شود.

۴.۴.۲ میزان پاسخ‌گویی اثر به نیازهای علمی

نویسنده در کتاب خود مطالب جذاب و ارزش‌مندی را در اختیار خواننده قرار داده است؛ به‌طوری‌که اثر وی توانسته است، به‌سهم خود، پاسخ‌گوی نیازهای جامعهٔ علمی و ادبی باشد. با بررسی این کتاب، درمی‌یابیم که یکی از جذاب‌ترین فصل‌های آن فصل پنجم است که نویسنده نیز بر آن تأکید دارد. درواقع، در این فصل شخصیت‌های متعددی درکنار ابوالعلاء معرّی قرار گرفته‌اند؛ شخصیت‌هایی که هرکدام اندیشه و پیام قابل‌توجهی دارند و اندیشه‌های آنان از چنان ظرفیتی برخوردار است که توجه پژوهش‌گران ادبیات تطبیقی، ازجمله این نویسنده، را به‌سوی خود جلب کرده است تا دست به قلم ببرد و در این زمینه گام‌های ارزش‌مندی بردارد. درضمن، نوآوری‌های کتاب نیز بیش‌تر در همین فصل است. این جذابیت‌ها، نوآوری‌ها، و ارائهٔ مطالب سودمند دربارهٔ ابعاد مختلف تشابه و تفاوت بین اندیشه‌های شخصیت‌های موردبحث در کتاب باعث ایجاد انگیزه و رغبت در خواندن مطالب آن و پی‌گیری مباحث از سوی مخاطب می‌شود و بر جایگاه و اهمیت اثر، به‌ویژه بر جنبهٔ پژوهشی آن، می‌افزاید و کتاب را متناسب با نیازهای جامعهٔ علمی و ادبی معاصر قرار می‌دهد.

۵.۴.۲ ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی فصل‌ها و بخش‌های اثر

یکی از امتیازات کتاب موردبحث این است که فصل‌های آن از مقدماتی به تکمیلی تنظیم و مرتب شده است تا سرانجام به فصل تطبیق اندیشهٔ معرّی با اندیشه‌های دیگر متفکران می‌رسد. در درون فصل‌ها نیز، مطالب ابتدا به‌صورت مقدماتی می‌آید، سپس به مطالب تکمیلی و نهایی پایان می‌پذیرد؛ بنابراین، از این نظر، بین فصل‌های مختلف کتاب و نیز در درون هر فصل نظم و انسجام وجود دارد.

حجم فصل‌های کتاب نیز بدین صورت است که فصل اول ۳٤، فصل دوم ۲۸، فصل سوم ۵۰، فصل چهارم ۳۲، و فصل پنجم ٦۳ صفحه دارند؛ بنابراین، فصل‌های اول، دوم، و چهارم با هم و دو فصل سوم و پنجم تقریباً با هم تناسب دارند؛ یعنی فصل سوم حدود یک‌ونیم برابر فصل اول یا دوم یا چهارم است و فصل پنجم حدود دوبرابر این فصل‌ها است. درواقع، فصل پنجم حدود یک‌چهارم از مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، فصل سوم و پنجم با سایر فصل‌ها از نظر حجم تناسب ندارند. شاید ماهیت این دو فصل و تفصیل مباحث باعث شده است که حجم این دو فصل زیاد شود. بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود که فصل پنجم به دو فصل تقسیم شود تا با سایر فصل‌ها تناسب داشته باشد و اگر قصد بر این باشد که بین فصل سوم و سایر فصل‌ها نیز تناسب برقرار شود، می‌توان با حذف برخی از مطالب کم‌اهمیت یا با ادغام برخی از مباحث در یک‌دیگر یا با ادغام این مباحث در سایر فصل‌ها این کار را انجام داد.

دربارهٔ حجم بخش‌های مختلف کتاب و تعداد آن‌ها نیز باید گفته شود که فصل اول دو بخش دارد که بخش اول آن سیزده و بخش دوم نوزده صفحه است. فصل دوم چهار بخش دارد که بخش اول چهار، بخش دوم چهار، بخش سوم یازده، و بخش چهارم پنج صفحه است. فصل سوم هفت بخش دارد که بخش اول آن یازده، بخش دوم دَه، بخش سوم دو، بخش چهارم سه، بخش پنجم شش، بخش ششم نُه، و بخش هفتم هفت صفحه است. فصل چهارم چهار بخش دارد که بخش اول پنج، بخش دوم هفت، بخش سوم هشت، و بخش چهارم دوازده صفحه است. فصل پنجم چهار بخش دارد که بخش اول آن شش، بخش دوم یازده، بخش سوم ۲۸، و بخش چهارم هفده صفحه است. بنابراین، اثر حاضر درمجموع دارای پنج فصل و ۲۱ بخش است که پیش‌نهاد می‌شود بخش‌های کم‌حجم در هم ادغام شوند تا از تعداد زیاد بخش‌ها به‌ویژه بخش‌های کوچک کاسته شود.

۶.۴.۲ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی در اثر و ترجمهٔ اشعار

در این کتاب، کلمات نه‌چندان زیادی وجود دارد که بهتر است معادل فارسی آن‌ها ذکر شود ازجمله کلمهٔ «حاکی» در سطر دوم زیر عنوان صفحهٔ ۹۸ و کلمهٔ «منبعث» در سطر سوم و کلمهٔ «مکالماتی» در سطر ششم زیر عنوان صفحهٔ ۲۲۷.

ازسوی‌دیگر، اعلام و اصطلاحات لاتین موجود در متن کتاب به ذکر معادل نیاز دارد؛ زیرا آوردن معادل موجب می‌شود که مخاطب بتواند این اعلام را به‌آسانی تلفظ کند. نمونه‌هایی از این موارد در صفحات ٦٣، ۱۷۷، ۲۱۳، و ۲۱۷ آمده است.

دربارهٔ عنوان بالا نکتهٔ آخر این است که یکی از امتیازات کتاب مزبور ترجمهٔ اشعار موجود در آن است. این امر به فهم اشعار و درنتیجه دریافت بیش‌تر تحلیل‌های کتاب کمک می‌کند و باعث می‌شود که مخاطب ارتباط بیش‌تری با اثر برقرار کند. باوجوداین، در بعضی از موارد، شاهد ایرادات جزئی در ترجمهٔ ابیات هستیم؛ ازجمله در بیت اول از صفحهٔ ۱۱۲ که منظور از کلمهٔ «أُحُد» کوه أحد است که به این صورت ترجمه نشده است. درواقع، این بیت به آیهٔ *قرآن کریم* اشاره دارد که می‌فرماید: «وَتَكُونُ الجِبَالُ كَالعِهنِ المَنفُوشِ» (القارعه: ٥).

۷.۴.۲ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی

قلم نویسندهٔ کتاب سلیس و روان است و پیچیدگی ندارد؛ به‌عبارت‌دیگر، زبان نویسنده زبانی علمی و منطقی است؛ زیرا «زبان علمی زبانی است شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی که الفاظ در آن معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آن‌که بر سر کلمات و ترکیبات درنگ کنیم به مدلول رهنمون می‌شود» (سمیعی ۱۳۷۸: ٤٤).

نویسنده، با مراجعه و کاوش در منابع متعدد، مطالب پرفایده‌ای را با حجمی قابل‌قبول یعنی ٢٥٦ صفحه و در پنج فصل یک‌جا و به‌صورت آماده آورده و تلاش کرده است ضمن استفاده از آرای دیگران تحلیل‌های خوب و سودمندی را به مخاطب ارائه دهد. بی‌شک، چنین تلاش‌هایی از سوی پژوهش‌گران، ازجمله این نویسنده، بار مراجعه و تحقیق در منابع مختلف برای یافتن مطالب را، آن هم از نوع تطبیقی که تنوع و تعدد منابع و جست‌وجوی فراوان را می‌طلبد، از دوش خواننده برمی‌دارد. وی تلاش کرده است، بدون جانب‌داری، به بررسی، تحلیل، و نقد اندیشهٔ ابوالعلاء معرّی بپردازد. مقایسه و تطبیق بین اندیشهٔ معرّی و اندیشه‌های سایر متفکران موردبحث در این کتاب یعنی اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت نیز از سوگیری غیرعلمی به‌دور است.

۸.۴.۲ منابع اثر

نقد و بررسی منابع یک اثر یکی از معیارهای مهم نقد آن اثر به‌شمار می‌آید؛ زیرا «یکی از نکاتی که باعث غنای هر اثر پژوهشی است، بهره‌گیری از منابع دست‌اول و مشهور مربوط به موضوع است» (طالبی قره‌قشلاقی و بابازادهٔ اقدم ۱۳۹۸: ۲۸۲) بر این اساس، «از مهم‌ترین کارهایی که پژوهش‌گران پس از انتخاب موضوع پژوهش خود انجام می‌دهند جست‌وجو، شناخت، و استفاده از منابع و مراجع مختلف برای گردآوری اطلاعات لازم دربارهٔ موضوع موردپژوهش است» (دلاور ۱۳۸۵: ۳۷–۳۸).

نویسنده در این اثر متناسب با مطالب کتاب از منابع معتبر کهن هم‌چون *الشّعر والشّعراء* از ابن‌قتیبه، *الکامل فی التّاریخ* اثر ابن‌اثیر، و *وفیات الأعیان* از ابن‌خلکان، و منابع معتبر جدید ازجمله *ذکری ابی العلاء* اثر طه حسین، *الجامع فی اخبار ابی العلاء وآثاره*، از محمد سلیم الجندی، و *ابوالعلاء المعرّی الشّاعر الحکیم* اثر عمر فرّوخ استفاده کرده است. دربین منابع، آثاری به زبان فارسی هم به‌چشم می‌خورد که درواقع بیش‌تر این آثار ترجمهٔ منابعی است که دراصل به زبان انگلیسی نوشته شده است؛ ازجمله *کمدی الهی* از دانته، *فراسوی نیک و بد* اثر نیچه، و *تاریخ فلسفهٔ غرب* از راسل.

در فهرست منابع کتاب، جای مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع و نیز منابع لاتین به زبان اصلی خالی است. علاوه‌براین، پیش‌نهاد می‌شود که در فهرست منابع، مشخصات هر اثر به‌صورت کامل ذکر شود؛ ازجمله شمارهٔ جلد یا جلدهای منابع استفاده‌شده در این کتاب. هم‌چنین در بخش منابع عربی، مشخصات اثر به همان صورت که در زبان عربی است بیاید؛ ازجمله داشتن «ال» یا نداشتن آن و ... . درکل، منابع کتاب از نظر زمان و زبان تنوع دارد.

۳. نتیجه‌گیری

- پژوهش حاضر بیان‌گر این است که نویسنده اثر خود را با قلمی سلیس و روان و با بهره‌گیری از یک زبان علمی و منطقی به رشتهٔ تحریر درآورده است.
- این کتاب دراصل با هدف آموزشی تألیف نشده است؛ بنابراین، ابزارهایی ازجمله تمرین، نمودار، جدول، و تصویر ندارد، ولی دارای برخی دیگر از ابزارهای علمی ازقبیل چهار فهرست، مقدمه، تقریض، پیش‌گفتار، خاتمه، و پانوشت است.
- ارائهٔ مطالب سودمند دربارهٔ ابعاد مختلف تشابه و تفاوت بین اندیشه‌های شخصیت‌های کتاب و نیز جذابیت‌ها و نوآوری‌های اثر باعث ایجاد انگیزه و رغبت در خواندن مطالب

و پی‌گیری مباحث از سوی مخاطب می‌شود و بر جایگاه و اهمیت اثر به‌ویژه بر جنبهٔ پژوهشی آن می‌افزاید و پژوهش مزبور را متناسب با نیازهای جامعهٔ علمی و ادبی معاصر قرار می‌دهد.

- از مزایای کتاب مزبور این است که فصل‌های آن از مقدماتی به تکمیلی تنظیم شده است تا درنهایت به فصل تطبیق اندیشهٔ معرّی با افکار دیگر اندیشمندان می‌رسد. در درون فصل‌ها نیز مطالب ابتدا به‌صورت مقدماتی می‌آید، سپس به مطالب تکمیلی پایان می‌پذیرد.
- نویسنده، ضمن کاوش در منابع متعدد، فقط به نقل صرف آرای دیگران بسنده نکرده، بلکه سعی کرده است، در پرداختن به مسائل ادبی، تحلیل‌های خوب و سودمندی را در اختیار مخاطب قرار دهد.
- مؤلف تلاش کرده است، بدون جانب‌داری، به بررسی، تحلیل، و نقد اندیشهٔ ابوالعلاء معرّی بپردازد. تطبیق بین اندیشهٔ معرّی و سایر متفکران موردبحث در این اثر یعنی اپیکور، شوپنهاور، نیچه، دانته، و صادق هدایت نیز از سوگیری غیرعلمی به‌دور است.
- کتاب حاضر برای دروس گوناگون دانشگاهی در مقاطع مختلف رشتهٔ زبان و ادبیات عربی، به‌عنوان یک منبع فرعی و کمکی، می‌تواند کاربرد آموزشی داشته باشد؛ هرچند کاربرد پژوهشی آن به‌مثابهٔ منبعی برای پژوهش‌های ادبیات تطبیقی به‌ویژه تطبیق اندیشهٔ معرّی با اندیشه‌های متفکران جهان بر کسی پوشیده نیست.
- در این کتاب، برخی از نارسایی‌های نگارشی، ویرایشی، و محتوایی دیده می‌شود که رفع این موارد می‌تواند بر ارزش و سودمندی آن بیفزاید. این نارسایی‌ها به‌هیچ‌وجه از اهمیت و ارزش کار نویسنده نمی‌کاهد؛ زیرا وی تلاش‌های قابل‌تقدیری داشته و توانسته است اثری سودمند را به جامعهٔ علمی و ادبی عرضه کند.

٤. پیش‌نهادها

هرچند در متن مقاله پیش‌نهادها و راه‌کارهایی مطرح شد، برای این‌که بر ارزش و اهمیت کتاب حاضر افزوده شود، درکنار رفع نارسایی‌ها، برخی از پیش‌نهادها در این‌جا می‌آید:

۱. هدف از نگارش کتاب به‌صورت واضح در مقدمهٔ آن بیاید؛

۲. برپایهٔ هدف یا اهداف نگارش کتاب، سؤالات یا فرضیاتی صریح و روشن طرح شود؛

۳. مباحث کتاب، توضیحات، و تحلیل‌های آن نیز براساس سؤالات یا فرضیات تنظیم و تکمیل شود؛

٤. در آخر کتاب، نتایج آن به‌صورت جذاب و واضح بیاید. علاوه‌بر نتایج، پیش‌نهاداتی روشن برای سایر پژوهش‌گران این عرصه ذکر شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابوالعلاء معرّی (۳٦۳–٤٤۹ ق) در معرّه دیده به جهان گشود. او در کودکی به‌علت بیماری آبله دچار نابینایی شد. ابوالعلاء اصول اولیهٔ علم را از پدرش فرا گرفت. پس‌ازآن، با سفر به شهرهای مختلف ازجمله حلب، انطاکیه، لاذقیه، طرابلس، و بغداد و استفاده از کتاب‌خانه‌های آن شهرها و شرکت در مجلس علم و ادب به دانش‌اندوزی ادامه داد. این شاعر و اندیشمند مشهور عرب آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته است؛ ازجمله *سِقط الزَّند*، *اللّزومیات*، *الفصول والغایات* و *رسالة الغفران* (الفاخوری ۱۳۸۰: ٦۷۸–٦۷۹).

۲. اپیکور (Epicure 341-271 BC) در یونان به دنیا آمد. او شیفتهٔ فلسفه بود و این دانش را نزد استادان آن روزگار فراگرفت. این فیلسوف یونان باستان مکتب لذت‌گرایی را بنا نهاد که درآغاز با دشمنی خاص و عام روبه‌رو شد (حسن‌زادهٔ میرعلی ۱۳۸۹: ۲٦–۲۷). براساس نظر اپیکور «لذت مبدأ و غایت حیات سعادت‌مندانه است» (برن ۱۳۵۷: ۱۰٤). وی آثار متعددی ازجمله *نامه به هردوت در باب طبیعت*، *مواعظ اساسی و اصولی*، و *هشتادویک پند و اندرز* از خود باقی گذاشت (حسن‌زادهٔ میرعلی ۱۳۸۹: ۲۷).

۳. آرتور شوپنهاور (Arthur Schopenhauer 1788-1860) در لهستان چشم به جهان گشود. پدر او بازرگان و مادرش نویسنده بود. وی، پس از سفرهای بسیار، سرانجام در شهر فرانکفورت آلمان ساکن شد. او فلسفهٔ خردمندانهٔ هگل (Hegel) را مخالف فلسفهٔ بدینانهٔ خود، که متافیزیک اراده بود، به‌شمار می‌آورد و اخلاق کانت را تلاشی بیهوده می‌دانست. مهم‌ترین آثار این فیلسوف برجسته عبارت است از *ریشهٔ چهارگانهٔ قضیهٔ دلیل کافی*، در *باب دیدن و رنگ‌ها*، *جهان به‌صورت اراده و تصور*، *دربارهٔ اراده در طبیعت* و *مجموعهٔ نوشته‌های کوچک و متمم* (ذاکرزاده ۱۳۸٦: ۷–۱۱).

٤. فریدریش ویلهلم نیچه (Friedrich Wilhelm Nietzsche 1844-1900) در آلمان متولد شد. پدرش کشیش بود. وی در محیطی دینی و زنانه با مادر، خواهر، مادربزرگ، و دو عمه بزرگ شد. نیچه،

پس از تحصیل در دبیرستان، به دانشگاه رفت تا الهیات و فلسفه بخواند، اما بعد از مدتی به رشتهٔ زبان‌شناسی تاریخی روی آورد (کاپلستون ۱۳٦۷: ۳۸۱). این فیلسوف و شاعر آلمانی آثار متعددی ازجمله *زایش تراژدی*، *فراسوی نیک و بد*، *تبارشناسی اخلاق*، و چنین *گفت زرتشت* دارد (پامر ۱۳۸۸: ۳۳۲).

۵. دانته الیگیری (Dante Alighieri 1265-1321) در ایتالیا به دنیا آمد. خانوادهٔ او نجیب‌زاده و اهل سیاست بودند. وی در دانشگاه به تحصیل در علوم دینی و فلسفه پرداخت. دانته شاعر و اندیشمندی بود که در *کمدی الهی* جنبش‌های فکری و کوشش‌های عقلی دوران گذشته و روزگار خود را می‌ستاید یا از آنان انتقاد می‌کند. او بزرگان معاصر و پیش از خود را در عالم خیال می‌بیند و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کند که این امر بیانگر دانش و احاطهٔ علمی و ادبی وی است (توحیدی‌فر ۱۳۹٦: ۲۱۷).

٦. صادق هدایت (۱۲۸۱– ۱۳۳۰ ش) نویسنده، داستان‌نویس، و مترجم ایرانی در خانواده‌ای ثروت‌مند و صاحب‌منصب چشم به جهان گشود (همان: ۲۱۷). او پس از پایان تحصیل در دارالفنون و مدرسهٔ فرانسوی سَن‌لوئی در سال ۱۳۰۰ ش به‌همراه عده‌ای از دانشجویان به فرانسه فرستاده شد و پس از بازگشت به ایران به شغل‌های متفاوتی پرداخت. وی با تألیف رمان *بوف کور* و سایر آثار داستانی خود ازجمله *سگ ولگرد* و *زنده به‌گور* در عرصهٔ داستان‌نویسی معاصر به شهرت رسید، به‌طوری‌که آثارش به چندین زبان ترجمه شد (یاحقی ۱۳۷٦: ۱۹۸). «او با تفکری پوچ‌گرا هستی را نظاره می‌کرد و در داستان *آفرینگان* این پوچی را به‌زیبایی به‌تصویر می‌کشد» (توحیدی‌فر ۱۳۹٦: ۲۱۸).

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

اکبری‌تبار، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، «مطالعه‌ای درباب فرایند طراحی جلد کتاب؛ به‌همراه نتایج نظرسنجی درمورد طرح جلد کتاب‌های انتشارات سورهٔ مهر»، *کتاب مهر*، ش ۵.

برن، ژان (۱۳۵۷)، *فلسفهٔ اپیکور*، ترجمهٔ ابوالقاسم پورحسینی، تهران: امیرکبیر.

پامر، دونالد (۱۳۸۸)، *نگاهی به فلسفه*، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران: مرکز.

توحیدی‌فر، نرجس (۱۳۹٦)، *ابوالعلاء معرّی در بوتهٔ نقد ادب تطبیقی*، تهران: شفیعی.

حسن‌زادهٔ میرعلی، عبدالله (۱۳۸۹)، «بن‌مایه‌های لذت‌گرایی در *شاهنامه* و تأثیرپذیری از افکار اپیکوریستی»، *کهن‌نامهٔ ادب پارسی*، س ۱، ش ۱.

حیدری، غلامرضا (۱۳۸۰)، *آیین نگارش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

الخطیب، حسام (۱۹۹۹)، *آفاق الأدب المقارن عربیّاً و عالمیّاً*، دمشق: دارالفکر.

دلاور، علی (۱۳۸۵)، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: پیام نور.
ذاکرزاده، ابوالقاسم (۱۳۸٦)، *فلسفهٔ شوپنهاور*، تهران: الهام.
سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «راه‌کارهایی برای سودمندسازی نقد کتاب»، *آینهٔ پژوهش*، س ۲۰، ش ۱، پیاپی ۱۱۵.
سمیعی، احمد (۱۳۷۸)، *نگارش و ویرایش*، تهران: سمت.
سیاوشی، صابره (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد ترجمهٔ کتاب تاریخ ادبیات عربی»، *پژوهش‌نامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۱۲، ش ۲.
طالبی قره‌قشلاقی، جمال و عسکر بابازادهٔ اقدم (۱۳۹۸)، «نگاه انتقادی به کتاب *انواع شعر عربی و سیر تطور آن*»، *پژوهش‌نامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۱۹، ش ۸
غلامحسین‌زاده، غلامحسین (۱۳۹۰)، *راهنمای ویرایش*، تهران: سمت.
غویار، ماریوس فرانسوا (۱۹۵٦)، *الأدب المقارن*، ترجمهٔ محمد غلاب، القاهره: لجنة البیان العربی.
الفاخوری، حنّا (۱۳۸۰)، *تاریخ الأدب العربی*، تهران: توس.
کاپلستون، فردریک (۱۳٦۷)، *تاریخ فلسفه (از فیشه تا نیچه)*، ترجمهٔ داریوش آشوری، ج ۷، تهران: علمی و فرهنگی و سروش.
ملک‌ثابت، مهدی (۱۳۹۰)، *به‌نویسی (راهنمای درست‌نویسی و ویرایش متن)*، یزد: دانشگاه یزد.
مؤسسهٔ خانهٔ کتاب (۱۳۸٦)، *کتاب نقد و نقد کتاب*، تهران: خانهٔ کتاب.
وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری (۱۳۸۹)، *مشخصات کلی، برنامهٔ آموزشی، و سرفصل دروس بازنگری‌شده، دورهٔ کارشناسی پیوسته، رشتهٔ زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات.*
وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری (۱۳۹٤)، *برنامهٔ درسی بازنگری‌شده، دورهٔ دکتری تخصصی، رشتهٔ زبان و ادبیات عربی، گروه علوم انسانی.*
وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری (۱۳۹٦)، *برنامهٔ درسی، دورهٔ کارشناسی ارشد ناپیوسته، رشتهٔ ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی.*
یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷٦)، *چون سبوی تشنه*، تهران: جامی.